

### ٤٣ - نهى از قتل و ضرب و مجادله و تعرض و امثالها<sup>1</sup>

**در کتاب اقدس است قوله تعالى:** قد حُرِّمَ عليكم القتلُ و الزَّنا ثمَّ الغيبةُ و الافتراءُ اجتنبوا عمَّا نُهيتم عنه في الصِّحائفِ و الألواحِ قد مُنعمت في الكتاب عن الجِدالِ و النَّزاعِ و الضَّرْبِ و امثالها عمَّا تحزُّنُ به الافئدةُ و القلوبُ مَنْ يحزن احداً فله أن يُنفقَ تسعة عشر مثقالاً مِنَ الذَّهَبِ هذا ما حكَمَ به مولى العالمين انَّه قد عفا ذلك عنكم في هذا الظَّهورِ و يوصيكم بالبرِّ و التقوى امرأً من عنده في هذا اللُّوحِ المنيرِ .

**و قوله الحق:** قد مُنعمت عن النَّزاعِ و الجِدالِ في كتاب الله العزیز العظیم تمسَّكوا بما تنتفعُ به انفسكم و اهلُ العالمِ كذلك يأمرکم مالکُ القدم الظَّاهر بالاسم الاعظم انَّه هو الأمرُ الحكيمُ .

**و قوله تعالى:** لا يعترض احدٌ على احدٍ و لا يقتل نفسٌ نفساً هذا ما نُهيتم عنه في كتابٍ كان في سُرادقِ العزْرِ مستوراً اتقتلونَ مَنْ احياهُ اللهُ بروحٍ مِنْ عنده انَّ هذا خطأ قد كانَ لَدَى العرشِ كبيراً اتقوا اللهَ و لا تخربوا ما بناه اللهُ بايادي الظَّلمِ و الطَّغيانِ ثم اتخذوا الى الحقِّ سبيلاً .

**و قوله جلَّ و عزَّ:** اياكم ان تُفسدوا في الارضِ بعدَ اصلاحها و مَنْ افسدَ انَّه ليسَ مِنَّا و نحنُ براءٌ منه كذلك كانَ الامرُ من سماءِ الوحي بالحقِّ مشهوداً .

<sup>1</sup> عن عبدالله به عمر عن النبي صلى الله عليه و سلم قال : المسلم من سلم المسلمون من لسانه و يده و المهاجر من هجر ما نهى الله عنه رواه البخارى و احمد و النسائي و في الحديث لا يزال المؤمن في سعة من دينه يرجي له الرحمة و لو باشر الكبائر سوى القتل فاذا قتل ايس من رحمته ( مجمع البحرين ) در قرآن كريم است قوله تعالى : و الله لا يحب الفساد ، لا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها و الله لا يحب المفسدين . لا تقتلوا انفسكم ان الله كان بكم رحيماً . في الحديث من تعلم علماً ليما به السفهاء و يباهى به العلماء او يقرب بوجوه الناس اليه فهو في النار ... دع الممارات اى المجادلة فيما فيه شك و مرية فاتها تؤول الى العداوة و البغضاء و لذا قال اترك المراء و لو كنت محقاً و في خير النبي ص ان ابغضكم الى التثارون و التثرار بمعنى كثير الكلام و المراد كثرة الكلام تكلفاً و خروجاً عن الحق و من غير حاجة اليها بل لنيل الحظوظ الدنيوية و في الحديث : ما اوتي الجدل قوم الا ضلوا و المراد به الجدل في الباطل و طلب المغالبة اما المجادلة باظهار الحق فان ذلك محمود لقوله تعالى و جادلهم بالتي هي احسن فالجدال منه قبيحٌ و حسنٌ و احسن فما كمان او تبين الحق من الفرائض فهو احسن و كمال . عن ابى هريرة رضى الله عنه ان رسول الله صلى الله عليه و سلم قال بينما رجل يمشى فاشتد عليه العطش فنزل بئراً فشرب منها ثم خرج فاذا هو بكلب يلهث يا كل الترى من العطش فقال لقد بلغ هذا مثل الذى بلغ بى فعلاً خقه ثم امسكه بفيه ثم نزع فسقى الكلب فشكر الله له فغفر له قالوا يا رسول الله و ان لنا في الهائم اجراً قال في كل كبد رطبة اجر رواه البخارى و مسلم عن عبدالله بن عمر رضى الله عنهما : ان رسول الله صلى الله عليه و سلم قال عذبت امرأة في هرة حبستها حتى ماتت جوعاً فدخلت فيها النار و في رواية دخلت امرأة النار في هرة ربطتها فلم تطعمها و لم تدعها تأكل من حشاش الارض . رواه البخارى و مسلم و في الحديث لا تتخذوا ظهور الدواب مجالس و لا تتخذوا ظهور دوابكم منابر فان الله عز و جل انما سخرها لكم لتبلغكم الى بلد لم تكونوا بالغيه الا بشئ الا نفس و جعل لكم في الارض مستقراً فاقضوا في الارض حاجاتكم .

**و قوله الابین الامتن:** بشنوید وصیّت جمالقدم را که از شطر سجن اعظم شما را ندا میفرماید بغی و طغی را بگذارید و بتقوی متمسک شوید نفوس خود را از اعمال شیطانیه مقدس نمائید و بطراز الهیه مزین دارید فساد و نزاع شأن اهل حق نبوده و نخواهد بود از اعمال شنیعه اجتناب نمائید ... و در مسالک تقدیس و تسلیم و رضا سالک شوید جهد نمائید تا صفات و اخلاق الهیه از شما ظاهر شود و بکمال استغناء و سکون ما بین بریه مشی نمائید و با کمال عدل و انصاف با یکدیگر معامله کنید خیانت را به امانت و غیبت را به تزکیه نفس و ظلم را به عدل و غفلت را به ذکر تبدیل نمائید اینست نصیح رحمانی که از فم بیان مشیّت ربانی ظاهر شده سعی نمائید که بلکه به اعانت الهیه آنچه در ملکوت تقدیر مقدر شده به اعمال شنیعه تغییر نیابد و تبدیل نشود .

**و در کتاب بدیع قوله الابدع:** اتّقوا الله و لا تُفسدوا فی الارض من بعد اصلاحها و لا ترتكبوا الفحشاء طهّروا انفسکم عن کلّ ما حرّم فی کتاب الله العلیّ العظیم ایّاکم ان تسفکوا الدّماء و الذی سفک انه لیس منّی و کان الله بریّی منه و هذا ما نزل فی اوّل من ملکوت ربّکم الرّحمن الرّحیم ایّاکم ان ترتكبوا ما یکرهه عقولکم و افتدتکم اتّقوا الله یا ملأ المعرضین .

**و در لوحی دیگر قوله الاحلی:** یا قوم لا تفسدوا فی الارض و لا تسفکوا الدّماء و لا تأکلوا اموال النّاس بالباطل و لا تتّبّعوا کلّ ناعقٍ رجیم .

**و قوله الاسنی:** ایّاکم ان تسفکوا الدّماء اخرجوا سیف اللّسان عن غمد البیان لآنّ به تفتح مدائن القلوب انا رفعنا حکم القتل عن بینکم انّ الرّحمة سبقت الممکنات ان کنتم تعلمون .

**و قوله الابهی:** سبحان الله قلم اعلی در لیالی و ایام اولیاء را به معروف امر فرموده و از منکر نهی در بعضی از الواح این کلمه علیا نازل طوبی از برای نفسی که بشنود و نگوید اگر نیکوئی از کسی بینند به مکافات قیام کنند اگر ضرری مشاهده کنند صبر نمایند و بخدا گذارند ضرب و شتم و جنگ و جدال و قتل و غارت کار درنده‌های بیشه ظلم و نادانی است اهل حق از جمیع آن مقدّس و مبرّا .

**و قوله الاحلی:** کلّ عباد را به نصایح مشفقانه نصیحت نمودیم که احدی متعرض احدی نشود و نفسی با نفسی مجادله ننماید بالمره حکم قتل در الواح بدیع ممنوع شده ... نصرت حق به نصایح حسنه و مواعظ حکیمه بوده نه به منازعه و مجادله بشنوید نصایح قلم اعلی را و از حکم الله تجاوز نمائید درین ظهور فساد بالمره نهی شده ... قسم به آفتاب افق تقدیس که اگر احبابم کشته شوند محبوبتر است نزد این عبد از سفک دم نفسی ... لازال حق آنچه خیر ناس بوده فرموده و بآن حکم نموده اگر بهدایت اقبال نمودند این خیر راجع بآن نفوس مقبله خواهد بود و الا ان ربک لغنی عن العالمین

**و قوله الاسنی:** قسم به آفتاب فجر توحید که اگر احبای الهی کشته شوند نزد این عبد محبوبتر از آن است که به نفسی تعرض نمایند بگو ای عباد جمال رحمن لاجل احیای عالم و اتحاد اهل آن ظاهر شده نه از برای تفریق و سفک دماء .

**در لوحی دیگر قوله الاظهر الانور:** هو المشرق من افق سماء البرهان کتاب انزله الرحمن لمن توجه الى الوجه الى ان فاز بما نزل في كتاب الله مالک الرقاب یا زین العابدین اسمع نداء المظلوم من یمین البقعة النوراء فی الفردوس الاعلی انه لا اله الا هو الفرد الواحد العزیز الوهاب انه مرهً یدکر مقامه بالسجن الاعظم و اخرى بالفردوس الاعلی لعمر المقصود لا یغفله الفردوس عن ذکره و لا یضره فی سبيله قد حمل من البلیا ما لا اطلع به الا العظیم الخبیر قد شهد لک لسان عظمتی از کان مستویاً علی العرش بتوجهک و حضورک و اصغائک نداء الله رب العالمین انک اذا رجعت الی مقامک ذکر اولیائی من قبلی و بشرهم بعنایتی نسأل الله تبارک و تعالی ان یؤتد هم و یقرهم الیه انه هو المقتدر القدیر . یا زین العابدین بلسان پاریسی ندای الهی را بشنو امروز باید دوستان طراً به اخلاق و اعمالی که سبب ارتفاع کلمة الله و ارتقاء نفوس است مشغول گردند رایت اخلاق مرضیه از هر رایتی سبقت گرفته علم باعمال طیبه مقامش اعلی و اقدم بوده و هست بگو ای دوستان لعمر الله جدال منع شده و نزاع و فساد و سفک دماء و اعمال خبیثه کل نهی شده نهیاً عظیماً فی کتابی العظیم بلی از قبل بعضی از بیانات نظر به طغیان حزب شیعه از قلم مطلع نور احدیه نازل شده مثل اینکه در یک مقام فرمودند قد طالت الاعناق بالنفاق این اسیاف انتقامک یا قهار العالمین مقصود از امثال این عبارات اظهار کثرت خباثت معرضین و منکرین بوده ظلم معتدین بمقامی رسیده که کل دیده و شنیده‌اند باری قسم به آفتاب حقیقت که از افق سماء سجن مشرق و ظاهر است ابداً اراده جمالقدم نزاع و جدال و ما یتکدر به

القلوب نبوده و نیست به الواح رجوع نمائید میفرماید عاشروا مع الادیان بالروح و الريحان و مقصود ازین کلمه آنکه نار بغضا که در افئده وقلوب ادیان مشتعل است به کوثر بیان نصیح ربانی و وعظ سبحانی اطفاء پذیرد و خاموش شود و ساکن گردد و درین سنه که هزار و سیصد و شش است بخط مظلوم لوحی نازل و در آن این کلمه علیا از افق قلم اعلی اشراق نموده یا قوم اذکروا العباد بالخیر و لا تذکر وهم بالسوء و بما یتکدر به انفسهم ذکر سوء هم درین سنه نهی شده چه که لسان از برای ذکر حق است حیف است به غیبت بیلائید و یا به کلماتی تکلم نمائید که سبب حزن عباد و تکدر است معاشرت با جمیع احزاب را اذن دادیم مگر نفوسی که رائحه بغضاء در امر الله مولی الوری ازیشان بیابید از امثال آن نفوس احتراز لازم امرأ من لدی الله ربّ العرش العظیم یا حزب الله اجعلوا شرابکم کوثر الوداد و شغلکم ما یظهر به الاتحاد و عملکم ما یمهدی به الناس الی صراط الله المقتدر القدير .